

## حکومت چه کار می کند؟



حادثه خونین کابل یکبار دیگر قساوت و ماهیت اصلی تروریسم طالبانی را از یکطرف و بی برنامه گی و پوچی روند صلح حکومتی را از طرف دیگر بر ملا ساخت. ما در بیرون از دولت می توانیم با قربانیان این فاجعه تروریستی غم شریکی نماییم و به روح شهدای حادثه درود بفرستیم، اما مسوولیت حکومت چه در بخش سیاست گذاری و چه در بُعد اقدام سکونر های امنیتی بسیار بسیار سنگین می باشد. تفاوت میان حکومت و طالبان در این است که طالبان از خود یک تعریف کاملاً روشن، ثابت و غیر قابل تغییر دارند و دقیقاً می دانند که چه می کنند، اما حکومت متاسفانه یا از خود تعریف ندارد و یا هم مردم نمی دانند که حکومت چی می کند. مردم هر روز قربانی این سیاست های غلط می شوند، چون نیروهای امنیتی نیز در تاریکی قرار گرفته اند. این سیاست یک بام و دو هوای حکومت و یا این که از کجا آب می خورد، مردم را گیج و سرنوشت یک ملت را در ابهام قرار داده است. نظر مختصر احمدولی مسعود در مصاحبه تلفونی با تلویزیون میوند

## توافقات مهم دولت با حزب اسلامی

یک منبع بلند پایه:

## یکی از خواست های حکمتیار دست یافتن به شهرک ها است



صفحه ۶

### جمهور رئیس غنی:

## سوله په جگري میدان کي تأمین کوو



هغه زیاته کړه، هرځل چې یو وکیل یا سناتور خلک د ملي اردو، ملي پولیسو او ملي امنیت په لیکو کې جذب ته هڅولي، نو د امنیتي او دفاعي ځواکونو اړدې ورسره لا زیاتې پیاوړې شوې دي. هغه څرگنده کړه، له زرگونه امنیتي او دفاعي ځواکونو سره چې زه غږېدلی یم، دوی ټول د سیاسي قشر همغږي او یووالی غواړي.

صفحه ۶

## ۲۸ کشته و دهها زخمی در حمله به دفتر محافظت از رجال برجسته

# پایتخت در سوگ نشست



ناجیه نوری

شهر کابل صبح سه شنبه (۳۱ حمل/۱۹ اپریل) شاهد انفجار مرگبار و کم سابقه یی بود. انفجار در قطعه حفاظت از رجال برجسته روی داد و در نتیجه آن ۲۷ تن کشته شدند و ۱۸۲ تن دیگر زخم برداشتند. براساس اظهارات مقام های امنیتی، مهاجمان دو تن بودند. مهاجم اولی موتر باربری مملو از مواد منفجره را منفجر کرد و مهاجم دومی وارد ساختمان کارمندان بالا مقام امنیت ملی شد. این انفجار در یک منطقه مزدحم شهر در نزدیکی پل محمود خان روی داد؛ ساحه یی که به وزارت دفاع و قصر ریاست جمهوری نیز نزدیک است. انفجار به حدی قوی بود که شیشه های ساختمان ها و بلند منزل ها چندین کیلومتر دورتر

از محل انفجار، شکستند. گزارش ها می رساند که پس از انفجار یکی از مهاجمان انتحاری وارد ساختمان قطعه حفاظت از رجال برجسته می شود و به شلیک بالای کارکنان این اداره می پردازد. آمارهای غیررسمی حکایت از تلفات سنگین در این رویداد می کند. مقام های امنیتی گفتند که بیشتر قربانیان این رویداد، غیرنظامیان هستند. قوماندان امنیه کابل از ۲۸ تن کشته و ۱۸۳ زخمی سخن گفت. این مقام پولیس تایید کرد که شماری از نظامیان نیز در نتیجه این حمله کشته و زخمی شده اند. وزارت صحت عامه گفته است که در این حادثه ۱۵ تن کشته شده و ۳۲۷ تن دیگر زخم برداشته اند. این وزارت در اعلامیه یی افزوده که وضعیت شماری از زخمی ها وخیم است ولی شماری دیگر از مجروحان حادثه پس از تداوی ابتدایی مرخص شده اند. طالبان مسوولیت این حمله را به عهده گرفته است. مهمترین سوال این است که یک موتر باربری مملو از مواد انفجاری چگونه ممکن است پس از عبور از چندین سد امنیتی و پوسته های پولیس خود را به مرکز شهر برساند و بر یکی از حساس ترین محل امنیتی حمله کند. آقای رحیمی در پاسخ به این سوال گفت: «این جنگ تنها در کابل نیست... ادامه صفحه ۶»

### در برگ ها



فضای  
بسته  
ارگ

پدیدارشناسی  
چیست؟



چه کسانی  
وحدت ملی  
را کشتند؟



زمین های فوتبال  
«تخار» محلی  
برای فرود بالگرد  
و هواپیمای  
نظامی





## سخن ماندگار

### حلقه حمایتی طالبان

### شناسایی شوند

حمله به ریاست دهم امنیت ملی که مسوولیت تامین امنیت رجال برجسته کشور را به عهده دارد و کشته و زخمی شدن نزدیک به چهارصد تن از منسوبان این اداره، روایت گر آن است که طالبان توانسته اند به هر دلیلی قلب دولت را صدمه بزنند و وارد یکی از مهم ترین ارگان های امنیتی کشور شوند. کشته شدن افسران و سربازان جوان و پرتوان این اداره و زخمی شدن ده ها غیرنظامی، در یک چشم به هم زدن نشان از آن دارد که طالبان توانسته است، انتقام همه افرادشان را که در جنگ های اخیر توسط نیروهای امنیتی کشور از بین رفته اند، بگیرند. موفق شدن طالبان در چنین حمله یی بدون شک، بی حمایت حلقه ها و نیروهایی در کابل و نهادهای سیاسی و امنیتی کشور ممکن نیست. ما بارها گفته ایم که در پشت حمله های طالبان بر مواضع و مراکز هدفمند به خصوص حمله های انتحاری و هدفمند آنان دست های مهمی قرار دارد و باید این حلقه حمایتی طالبان شناسایی شوند؛ اما نه تنها که چنین نشد؛ می بینیم افرادی که متهم به حمایت از طالبان و پایگاه سازی برای آنان بودند، مورد حمایت بیشتر قرار گرفته اند و کسی از آنان سوالی نکرد. در چنین جریانی چگونه می شود انتظار داشته باشیم که حلقه های حمایتی طالبان شناسایی و بازداشت شوند. به هر صورت، وقتی چنین حمله هایی به این بزرگی و به همین ساده گی اتفاق می افتد، نشان از غفلت مسوولان و نهادهای کشفی و استخباراتی دارد. این مقام ها باید از وظایف شان برکنار شوند و نیز مسوولان حوزه های امنیتی و پولیس کشور که در ساحه مورد هدف مسوولیت داشتند، به نهادهای عدلی کشور معرفی شود.

اما مهم تر از همه این است تازمانی که رهبری نظام اراده قاطع برای اصلاحات و جدیت در مبارزه با تروریسم نداشته باشد، نمی توانیم در مبارزه با این گونه حمله ها و موفقیت در برابر تروریسم نایل آییم. از جانب دیگر، حمله دیروز در کنار جنگ های جبهه یی طالبان و حملات انتحاری شان در روزهای اخیر، نشان از آن دارد که طالبان همان طالبان اند و سخن از صلح را نمی شنوند و توانایی تصمیم گیری در این خصوص ها را ندارند. بنابراین، دروازه گفت و گو با طالبان که فقط برای مصرف کردن و غارت کردن پول های باد آورده است، بسته شود و باید با دشمنان مردم از راه زور و نظامی سخن گفته شود؛ زیرا طالبان به عنوان عناصر شناخته شده، نه به افغانستان باور دارند و نه به مردم این گروه در هر لباسی که باشند و به هر نامی که شناخته شوند، یک وظیفه را به پیش می برند. فرقی بین حکمتیار و ملا عمر و منصور و ابوبکر بغدادی نیست. این ها یک ابزار و یک خواتش متفاوت از اصل اند که بر گرده جهان اسلام در خاورمیانه و افغانستان سنگینی می کنند. بارها گفتیم بین آن طالبانی که می جنگند و بین آنانی که با ریش های ترشیده و نکتایی های بلند شان از طالبان در حکومت دفاع می کنند، هیچ تفاوتی وجود ندارد. در کنار این که بحث صلح معنایی ندارد، سیاست های ارگ نیز نیاز به تعدیل جدی دارد و باید در این زمینه توجه شود. از طرف دیگر پاکستان هر روز با توجه به سیاست نرمی که پیشه کرده است، افغانستان را به قیمومیت خودش نزدیک ساخته است و حمله به نهادها و افرادی که ضد پاکستان اند این ادعا را ثابت می کند. سکوت بسیاری از مقام های حکومتی در برابر پاکستان و توجیه طالبان توسط برخی از مقام ها روایت گر حضور پاکستان در نظام افغانستان است و این همه نشان می دهد که ما در دل یک فاجعه قرار گرفته ایم و به همین دلیل است که یک موثر کلان مملو از مواد انفجاری و طالبان انتحاری در داخل کابل برای خودشان این گونه کار می آفرینند.

## فضای بسته

## ارگ

به زبان و لهجه خود بیان کنند. شاید فضای فعلی ارگ نسبت به فضای آن در گذشته بسته تر شده باشد و این رویکرد بدون شک از نوع برخورد دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری با رسانه ها کاملاً مشخص است.

در گذشته و در زمان رییس جمهور کرزی نیز سخنگویان ریاست جمهوری محدودیت های خاص خود را داشتند و این امری کاملاً پذیرفته شده است، ولی هرگز در حد ربات عمل نمی کردند. آقای غنی می تواند به جای سخنگویان ریاست جمهوری و معاونان آن ها، چند ربات استخدام کند و بگذارد که آن ها از این موقعیت باشکوه با رسانه ها سخن بگویند. زیرا تقلیل دادن انسان های دارای پوست و گوشت و استخوان به ربات، کار دشوارتری نسبت به خرید چند ربات خواهد بود.

مسئله دیگر که در فرایند چنین خواتش هایی به وقوع می پیوندد، فاصله میان پرسش و پاسخ است. خبرنگار چیزی می پرسد و آقای سخنگوی ریاست جمهوری چیزی پاسخ می دهد. به گونه مثال، شب دوشنبه در گزارش یکی از تلویزیون های خصوصی که در مورد عدم کارایی و کفایت دولت وحدت ملی بود، این پرسش مطرح شد که آیا ارگ ریاست جمهوری گفته می تواند که کدام کار مهم از سوی این دولت برای حل مشکلات مردم انجام شده، اما معاون سخنگوی ریاست جمهوری متنی را آغاز به روخوانی کرد که در آن گفته شده بود که رییس جمهوری غنی شورای عالی مبارزه با فساد را ایجاد کرده است.

آیا این پاسخ می تواند پاسخی قانع کننده به چنان پرسشی باشد؟ بدون شک خیر؛ زیرا مشخص است که سخنگویان ارگ از روی ناچاری به ایجاد شورای عالی مبارزه با فساد به عنوان مهم ترین دستاورد دولت وحدت ملی اشاره کرده اند و چنین متنی قبلاً برای شان داده شده بود.

با کمال پُرویی چنین امری را رد کرد و گفت که نوع سخن گفتن من، چنین است و همه فکر می کنند که به اصطلاح به لفظ قلم گپ می زنم. اما حالا با تقرر دو معاون سخنگوی تازه (جالب این است که هنوز مشخص نیست که این افراد معاونان چه کسی اند زیرا ظاهراً ریاست جمهوری ماه هاست که بدون سخنگو به سر می برد) همین امر تکرار می شود؛ یعنی این که معاونان تازه ریاست جمهوری نیز مثل معاون سابق سخن می گویند و یا بهتر است گفته شود، سخنان را می خوانند. در حالی که این سخنان چنان تکراری و چوکات بندی شده اند که نیاز به فکر کردن ندارند و می توان به ساده گی آن ها را به شیوه خود تقلید کرد. اما من نمی دانم که چرا معاونان سخنگوی ریاست جمهوری، خود را مکلف می دانند که حتماً چند جمله ساده را از کاغذ ملا نقطی کنند. مسلماً این یک رسم معمول است که سخنگویان یک اداره خواست های اداره خود را بازتاب دهند و نه نظرات و افکار شخصی شان را. ادب نیز چنین حکم می کند؛ ولی بحث اصلی این جاست که اگر این افراد توانایی بازتاب و ارایه نظرات اداره خود را به درستی ندارند، نباید به چنین موقعیت هایی گمارده شوند.

مسئله دیگری نیز در رابطه با روخوانی معاونان سخنگوی ارگ ریاست جمهوری می تواند به ذهن متبادر شود و آن این که آن ها اجازه این را ندارند که خارج از کاغذ روی میز شان فکر کنند و حتا محتوای آن را

حتماً از طریق رسانه ها درباره پیشرفت فناوری چیزهای زیادی شنیده اید. گفته می شود که همین حالا ربات هایی ساخته شده که بخش بزرگی از کارهای شخصی افراد را مثل پاک کاری منزل، نان پختن و آماده کردن چای انجام می دهند. همچنین گفته می شود که تا چند سال دیگر نسل های تازه این ربات ها هم به بازار می آیند که حتا توانایی حرف زدن و درد دل کردن با آدم ها را هم خواهند داشت تا دیگر کسی از تنهایی دلش تنگ نشود.

دنیای فناوری بدون شک در حال پیشرفت است و انسان ها در سال های آینده با پیشرفت های چشم گیر و حیرت آور دیگری نیز آشنا خواهند شد. اما نوع دیگر این گونه ربات ها در ارگ ریاست جمهوری کشور اخیراً پیدا شده که بسیار جالب اند. این نوع ربات ها که حالا در هیأت سخنگویان و معاونان سخنگوی ریاست جمهوری ظاهر می شوند، علی الظاهر دارای گوشت و خون اند، اما تفاوت اصلی آن ها با آدم های عادی در این است که ربات اند. به این معنی که وقتی با رسانه ها صحبت می کنند، چیزهایی را که از قبل نوشته شده، از روی صفحه می خوانند و این موضوع که به نظر آن ها از دید دیگران پوشیده می ماند، کاملاً آشکار است.

من در یکی از مهمانی ها به معاون سخنگوی پیشین ریاست جمهوری (ظفر هاشمی) این نکته را یادآور شدم و گفتم که چرا از روی صفحه چند جمله ناقابل را می خوانی که اصلاً چنگی به دل نمی زند. ولی او

# روابط طالبان و روسیه افزایش یافته است



روابط طالبان و روسیه افزایش یافته است. روسیه تماس‌های دیپلماتیک خود را با گروه طالبان افزایش بخشیده است، زیرا مسکو سعی دارد از پیشروی گروه داعش در آسیای مرکزی جلوگیری کرده و در عین حال نفوذ خود را در افغانستان که زمانی آن را اشغال کرده بود، بیشتر سازد. ضمیر کابلوف، فرستاده ویژه ولادیمیر پوتین در امور افغانستان به تازه‌گی به آژانس خبری انترفکس گفته است که مسکو و طالبان راه‌های برای تبادل اطلاعات دارند. به گفته کابلوف، غلایق و اهداف طالبان علیه داعش با روسیه یکسان است. گروه داعش سال قبل به عنوان یک رقیب عمده طالبان در مناطق شرقی افغانستان، ظهور کرد.

## خروج نیروهای روسی از افغانستان

بیش از دو دهه می‌گذرد که اتحاد جماهیر شوروی سابق از افغانستان خارج شده است، اما مسکو ارتباط خود را با حکومت افغانستان که با طالبان در جنگ می‌باشد، با افزایش مساعدت‌های نظامی و اقتصادی استحکام بخشیده است. این مساعدت‌ها شامل تهیه ده هزار کلاشینکوف و مهمات زیاد است که حکومت افغانستان در مبارزه با داعش و طالبان از آن استفاده می‌کند. وحید مزده یکی از آگاهان مسایل مرتبط

متحدان آسیای مرکزی خود در مبارزه با دهشت‌افگنی شود.

اما حکومت افغانستان در حالی که از دریافت مساعدت‌های روسیه علناً استقبال کرده است با نظر احتیاط به تماس‌ها بین مسکو و طالبان می‌نگرد.

یکی از مشاورین ریاست جمهوری افغانستان که نخواست نامش فاش شود به صدای امریکا گفت که شماری از کشورهای همسایه افغانستان به شمول روسیه، برای ایجاد مجراهای تبادل اطلاعات، با گروه‌های انشعابی طالبان در تماس شده‌اند.

این مشاور رییس‌جمهور اشرف‌غنی گفت، ازبکستان شاید یگانه همسایه افغانستان باشد که با طالبان تماس نگرفته است. اما او گفت تاجکستان در برقراری تماس بین روسیه و طالبان نقش بسیار مهمی داشته است.

هنوز روشن نیست که آیا طالبان کدام کمک نظامی و یا مالی را از روسیه دریافت کرده است و یا خیر، اما به گفته مشاور ریاست جمهوری افغانستان، این گروه همواره در تلاش است تا از جانب جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شود. ضمیر کابلوف، فرستاده ویژه ولادیمیر پوتین در امور افغانستان گفت داعش می‌خواهد از افغانستان به عنوان پلی برای جهش و توسعه حضور شان به دیگر نقاط استفاده کند.

اما بر اساس اظهارات وحید مزده، طالبان به مسکو گفته اند که داعش از افغانستان بیشتر برای آموزش‌دهی جنگ‌جویان خود استفاده می‌کند و گروه طالبان از توسعه فعالیت‌های دهشت‌افگانه به کشورهای آسیای مرکزی، حمایت نمی‌کند. با آن هم، روسیه دومین تمرینات بزرگ نظامی خود را طی چند ماه اخیر در تاجیکستان و در امتداد مرز با افغانستان انجام داده و آن را بخشی از آموزش‌های ضد دهشت‌افگنی عنوان کرده است.

افغانستان گفته است که پس از هند، افغانستان می‌تواند "دعوا دار اصلی" الماس کوه نور باشد.

آقای جهانی افزود: رنجیت سینگ این نگین گران‌بها را با جبر و اکراه از شاه شجاع، پادشاه مخلوع افغانستان در آن زمان، تصاحب کرد و سپس آن را به بریتانیایی‌ها داد.

وزیر اطلاعات و فرهنگ گفته است که الماس کوه نور که نخست ۷۹۳ قیراط (تقریباً ۱۵۸ گرم) وزن داشت و سپس چند مرتبه تراشیده شد و وزن آن به ۱۰۵ قیراط کاهش یافت، ارزش تاریخی و فرهنگی داشته و نمی‌توان قیمتی برای آن تعیین کرد.

اکون الماس کوه نور در تاج سلطنتی بریتانیا نصب است و پاکستان نیز دعوا دار آن می‌باشد.

## وزیر فرهنگ افغانستان:

# می‌توانیم بر «الماس کوه نور» ادعا کنیم

نور ملکیت بریتانیا بوده، و با این سخن، ادعای چندین دهه هند بر سر مالکیت این الماس گران‌بها، خاتمه یافت.

به نقل از آژانس خبرگزاری فرانس پرس، معاون دادستانی کل هند در این رابطه به یک محکمه گفته است که مهاراجا رنجیت سینگ، شاه پیشین هند، الماس کوه نور را به رضایت خویش به بریتانیایی‌ها تسلیم داده و بریتانیا آن را غارت نکرده است.

در مورد پیشینه الماس کوه نور روایات متعددی وجود دارد، اما آن چه در تاریخ افغانستان آمده، این است که پس از کشته شدن نادر افشار، پادشاه پیشین ایران، همسر او این نگین درشت را به پاس خدمات احمد شاه ابدالی در محافظت از خانواده سلطنتی، به او تحفه داده بود و سپس از دست شاه شجاع نواسه احمد شاه درانی به دست رنجیت سینگ حکمران پنجاب افتاد.

عبدالباری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ



عبدالباری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ کشور گفته است اکنون که هند از دعوایش بر سر الماس کوه نور گذشته، افغانستان می‌تواند مدعی این نگین گران‌بهای جهانی گردد. حکومت هند رسماً اعلان کرد که الماس کوه

## سرپرست وزارت دفاع:

# جبهه دفاعی در مناطق جنوبی باید تقویت شود



در پی عقب‌نشینی ناگهانی نیروهای امنیتی از بخش‌هایی در هلمند و بازشدن دست طالبان در این ولایت، سرپرست وزارت دفاع اعلام کرد که نیروهای امنیتی‌بی‌عقب‌نشینی کرده‌اند، باید جبهه دفاعی کشور را در مناطق جنوبی تقویت کنند.

به نقل از خبرگزاری رویترز، معصوم استانکزی سرپرست وزارت دفاع ملی می‌گوید که نیروهای امنیتی در مناطق کم جمعیت مانند موسی قلعه و نوزاد کمتر حضور دارند، بر همین اساس باید نیروهای امنیتی کشور دوباره سازمان‌دهی شوند.

آقای استانکزی در ادامه گفته است: برخی از نیروها در مناطق صحرائی حضور دارند که حضور آنها تاثیر کمی بر ایجاد امنیت بر شهروندان افغانستان دارد. از سوی دیگر نکته مهم‌تر این است که استراتژی گروه‌های تروریستی بر این است که این گروه‌ها به صورت گروه‌های کوچک در حال پیشروی هستند و از یک منطقه به منطقه دیگر حرکت می‌کنند.

این تصمیم برای نقل و انتقال نیروهای افغانستان در راستای نظر فرماندهان ناتو انجام گرفته است، زیرا فرماندهان این

سازمان بر این باورند که نیروهای امنیتی افغانستان با سرعت بسیار کمی پیش می‌روند و میدان را به نیروهای طالبان واگذار می‌کنند.

استانکزی اضافه کرد: وضعیت کنونی چندان مطلوب نیست اما جا به جایی نیروهای امنیتی در مناطق استراتژیک برای جلوگیری از پیشروی نیروهای جبهه مقابل و بیرون راندن آنها از منطقه می‌تواند باعث شود که نیروهای امنیتی افغانستان ابتکار عمل را در مقابله با طالبان در دست گیرند.

وی ادامه داد: ما باید درگیری‌ها را به خارج از قریه‌ها و مناطق مسکونی بکشانیم، باید مرزها را بسته و مناطقی را به دست آوریم که نیروهای دشمن در آنجا حضور دارند.

## ارتش کشور طیاره بدون سرنشین در اختیار گرفت



جیسون وایت، یک مشاور ارتش امریکا در بیانیه‌ی گفت: قبل از به کارگیری این تکنولوژی نیروهای امنیتی افغانستان برای رفع نیازهای اطلاعاتی خود عمدتاً متکی به منابع انسانی و ارتباطات مخابراتی بودند. سیستم‌های اسکن ایگل به شکل چشم‌گیری موجب تقویت قابلیت آنها برای جمع‌آوری اطلاعات و انجام تجسس خواهد شد.

با این حال، عملیات‌های اساسی این شبکه تا چندین سال به طور کامل توسط اپراتورهای خارجی انجام خواهد شد. سربازان افغانستان هم در امریکا و هم در پایگاه‌هایی در داخل کشور در حال دیدن آموزش هستند.

در حالی که فرماندهان افغانستانی بر پرواز این طیاره‌های بدون سرنشین نظارت خواهند کرد، عملیات‌های این طیاره‌های بدون سرنشین تا سال ۲۰۱۸ متکی به پیمانکاران خارجی خواهد بود.

طیاره‌های بدون سرنشین اسکن ایگل یک نوع طیاره تجسسی غیرمسلح امریکایی است که هر یک فروند آن حدود ۱۰۰ هزار دالر قیمت داشته و قادر به تصویربرداری با کمره‌های کیفیت بالا و مادون قرمز است.

ارتش افغانستان برای نخستین‌بار تحت حمایت مشاوران امریکایی طیاره‌های بدون سرنشین گشت‌زنی را از پایگاهی در ولایت هلمند به پرواز درآورد تا قابلیت خود را برای پشتیبانی هوایی افزایش دهد. نیروهای ارتش به دنبال تشدید حملات هراس‌افگنان طالب شماری از ولایات به دنبال ایجاد یک نیروی هوایی مستقل از ناتو هستند.

سربازان ارتش عمدتاً برای رفع نیازهای تجسسی و اطلاعاتی خود و همچنین انجام حملات هوایی متکی به طیاره‌های خارجی هستند.

اولین طیاره‌های بدون سرنشین تجسسی که به خدمت ارتش افغانستان در آمده از نوع طیاره‌های بدون سرنشین امریکایی موسوم به اسکن ایگل است که در پایگاهی در ولایت هلمند و همچنین در یک پایگاه آموزشی در مزار شریف مستقر شده‌اند.

ارتش افغانستان قرار است آن گونه که اعلام شده هشت سیستم از واشنگتن دریافت کند که هر یک از آنها مجهز به شش طیاره بوده و از تمام آنها در متنسج‌ترین مناطق کشور استفاده خواهد شد.

# پس از چهار سال عامل قتل دو مشاور امریکایی بازداشت شد



پولیس گرفتار و به کابل انتقال داده شده است و در بازجویی نخستین به جرم خود اعتراف کرده است.

عبدالصبور چهار سال پیش دو مشاور امریکایی را در محوطه ساختمان وزارت امور داخله با ضرب گلوله به قتل رسانده بود.

به گفته او، این متهم که عبدالصبور نام دارد چهار سال پیش دو مشاور امریکایی را در محوطه ساختمان وزارت امور داخله با شلیک مرمی به قتل رسانده است.

آقای صدیقی گفته است این فرد در ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان از سوی نیروهای

مقام‌های وزارت داخله از دستگیری یک پولیس فراری که متهم به قتل دو مشاور امریکایی است خبر می‌دهد.

صدیق صدیقی سخنگوی این وزارت می‌گوید مظنون اصلی قتل دو مشاور امریکایی پس از چهار سال بازداشت شده است.

# پدیده‌شناسی چیست؟

حسینعلی احمدی  
مورس مرلوپوتی نیز نظام فلسفه خود را به‌طور گسترده‌یی مطابق پدیده‌شناختی هوسرلی، البته با تأکیدها و تفاسیر اگزستانسیالیستی طرح نموده است. مرکز نظام پوزیتیویسم پدیده‌شناختی او نظریه «پیشینه‌گی (اولویت) ادراک» است که در بهترین کتاب شناخته شده او یعنی «پدیده‌شناسی ادراک» شرح داده شده است. مطابق نظر مرلوپوتی، پدیده‌شناسی آشکارکننده جهان است و انسان به‌طور مستقیم به هستی و حقیقت از طریق آگاهی ادراکی دست می‌یابد.

مارتین هایدگر در مقدمه کتاب معروف خویش «هستی و زمان» (Being and Time) به این نکته اشاره می‌کند که قدمای فلاسفه یونان پرسش از معنای هستی (Being) را به عنوان مسأله‌یی فلسفی مورد توجه قرار می‌دادند و در پی درک حقیقت هستی برمی‌آمدند، اما از زمان ارسطو تا به حال، فلسفه این پرسش اصلی را مغفول گذاشته و به‌جای تلاش برای درک هستی به فهم هست‌ها (beings) رو آورده است. از نظر او، هستی موجودات، خود وجودی از وجودات و در عرض سایر موجودات نیست، بلکه هرچا چیزی هست، هستی هست. ما مستقلاً نمی‌توانیم با هستی مواجه شویم و آن را بشناسیم، بلکه از آن‌جا که هستی، خصیصه دیگر وجودات امکانی است، باید از طریق استنتاج، هستی را آشکار و فاش نمود. از میان موجودات، وجود انسانی که هایدگر از آن به دازاین (Dasein) تعبیر می‌کند، یگانه راه شناخت ما از هستی است؛ زیرا دازاین، وجودی است که بیشترین پرسش را از معنای هستی دارد و تحقیق از معنای هستی، یکی از امکان‌های وجودی اوست و به نظر هایدگر، یگانه راه ما به سوی شناخت و درک هستی، تحلیل ساختار وجودی دازاین یا به عبارتی خودشناسی است. این به معنای آن نیست که به لحاظ وجودی، انسان مقدم بر هستی (Being) است، بلکه برای آشکار کردن و شفافیت هستی، راهی جز آشکار نمودن حقیقت خود وجود ندارد. هایدگر پدیدارشناسی (دازاین) را به غرض وصول به درک معنای هستی، رسالت اصلی فلسفه و حقیقت فلسفه راستین اعلام می‌کند و این پدیدارشناسی را هرمنوتیکی می‌نامد؛ زیرا فعل یونانی (hermeneuon) به معنای «چیزی را قابل فهم ساختن» است و پدیدارشناسی انسان آن را قابل فهم می‌سازد. بنابراین پدیدارشناسی از نظر هایدگر، نه شناخت که فهم دازاین یا همان خودشناسی معنا می‌شود.

## بخش سوم و پایانی

این دیدگاه که شناخت انسان نسبت به وجود خود را ریشه تمام آگاهی می‌داند، مفهومی اساسی در بسیاری از مکاتب فلسفی، دینی و عرفانی است و شاید هیچ‌کس به زیبایی مولوی آن را بیان نکرده باشد.

جان جمله علم‌ها این است، این که بدانی من کی‌ام در یوم دین آن اصول دین بدانستی تو لیک بنگر اندر اصل خود، گر هست نیک از اصولینت، اصول خویش به که بدانی اصل خود، ای مرد مه پدیدارشناسی از زمان هوسرل به بعد به عنوان یک روش صحیح، هم به لحاظ فلسفی و هم به لحاظ علمی، جهت شناخت حقیقت مطرح شده است و توسط بزرگان علم و فلسفه مورد استفاده قرار می‌گیرد. پدیدارشناسی با این‌که به علم اعتماد کامل دارد، ولی موضوعات را در حد ذات خود به معنی پدیدارشناسانه آن جست‌وجو می‌کند و هر گونه شناخت ماقبل پدیداری را کنار می‌گذارد و به طور مدام به توصیف پدیده از نظرگاه‌های مختلف می‌پردازد. بر این مبنا می‌توان گفت: پدیدارشناسی عبارت از مطالعه توصیفی پدیدارهاست به همان نحوی که آن‌ها خود را در زمان و مکان ظاهر می‌سازند، و پدیدارشناسی به‌عنوان روش، عبارت از تلاش برای درک ماهیات از خلال حوادث و واقعیات تجربی است. به عقیده لستر ایمبری، پدیدارشناسان تحقیق را به شیوه‌هایی پیش می‌برند که اغلب در ویژه‌گی‌های منفی و یا مثبت زیر اشترک دارند:

- پدیدارشناسان می‌خواهند با پذیرش موضوعات مشاهده‌ناشدنی و سیستم‌های بزرگ فکری که با اندیشه نظرورزانه برپا شده‌اند و تجربه در آن‌ها راهی ندارد، مخالفت کنند.
- پدیدارشناسان می‌خواهند با طبیعی‌انگاری صرف (که ابژکتیویسم و پوزیتیویسم نیز نامیده می‌شود)، که یک جهان‌بینی است که ریشه در علم طبیعی و تکنولوژی مدرن دارد و از زمان رنسانس به بعد در اروپای شمالی گسترش یافت، مخالف کنند.
- به بیانی مثبت، پدیدارشناسان می‌خواهند شناخت (و همچنین به معنایی، سنجش و عمل) را با رجوع به آن‌چه که ادموند هوسرل «بدهت» می‌نامد که آگاهی از خود موضوع به مثابه آشکار شده در واضح‌ترین، متمایزترین و مکفی‌ترین شیوه چیزی در نوع خودش است، تصدیق کنند.
- پدیدارشناسان می‌خواهند بیان کنند که تحقیق باید بر روی آن‌چه که می‌تواند «مواجهه» نامیده شود، تمرکز کند طوری که معطوف به موضوع باشد و به بیان صحیح‌تر معطوف به موضوع «آن‌طور که با آن‌ها مواجه می‌شود» باشد.
- پدیدارشناسان می‌خواهند نقش توصیف را در شکلی کلی، پیشینی و «آیدتیک» در مقام مقدم بر توضیح علی، پیشنهادی، یا متکی بر اصول نخستین تشخیص دهند.
- پدیدارشناسان به دنبال ارائه یک تعریف قطعی و کامل از موضوع نیستند، چرا که ماهیت موضوع را در حال تغییر و تبدیل می‌بینند و ارائه تعریف فراگیر را غیرممکن می‌دانند.
- پدیدارشناسان برای دستیابی به حقیقت موضوع، آن را از زوایای مختلف می‌نگرند و با بیان‌های متفاوت توصیف می‌نمایند.
- پدیدارشناسان شناخت پدیدار، آن‌گونه که هست، را تنها در پی شناخت صحیح از خود درک‌کننده میسر می‌دانند.
- پدیدارشناسان به دنبال دریافت بدون پیش‌داوری موضوع از طریق به تجربه درآوردن آن هستند.

### فهرست منابع:

- کاکلمانس، جوزف جی: پدیدارشناسی چیست؟ برخی از موضوعات بنیادی پدیدارشناسی هوسرل، ترجمه دکتر سید موسی دیباج، مجله‌نامه فلسفه، ص ۷۳-۶۳  
- نوالی، محمود: پدیدارشناسی چیست؟، پایگاه اینترنتی مجلات تخصصی نور  
- خالقی دامغانی، احمد، و نصر، مهدی: دستاوردهای پدیدارشناسی هایدگر در علوم انسانی و پژوهش سیاسی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۲۳-۳

## بخش دوم و پایانی



## تقویت بینایی

## با مواد غذایی

**آووکادو:** این میوه مانند پالک غنی از آنتی‌اکسیدان است و بیش از هر میوه دیگری لوتئین دارد. لوتئین علاوه بر این که نقش مهمی در بهبود بینایی ایفا می‌کند، خطر آب مروارید را کاهش می‌دهد.

محققان همچنین افراد را از مصرف برخی مواد منع می‌کنند. موادی همچون بوره، غذاهای حاوی شکر، پاستا، نان و غلات، چربی‌های ترانس و آرد تخلیص‌شده که مصرف بیش از حد آن‌ها به بروز آب سیاه منجر می‌شود.

رژیم غذایی متعادل و غنی از سبزی و میوه و خودداری از مصرف موادی مانند چربی‌های اشباع، تأثیر به‌سزایی در تقویت بینایی افراد دارد. علاوه بر مصرف انواع ویتامین‌ها، برخی مواد معدنی از قبیل روی و سدیم نیز در تقویت چشم موثر است.

چه ویتامین‌هایی در چه غذاهایی بیشتر یافت می‌شود؟

**ویتامین A:** زردک، کلم برگ، پالک، فرآورده‌های لبنی، زرده تخم‌مرغ، مرکبات به‌خصوص کیوی و مَرچ سبز

**ویتامین C:** کلم بروکلی و کچالو

**ویتامین E:** تخم‌مرغ، غلات، روغن سبزیجات و خسته آفتاب‌گردان

**لوتئین:** پالک، ذرت، کلم برگ و بروکلی

اسیدهای چرب: ماهی آب سرد مانند سالمون، روغن آفتاب‌گردان و روغن ذرت

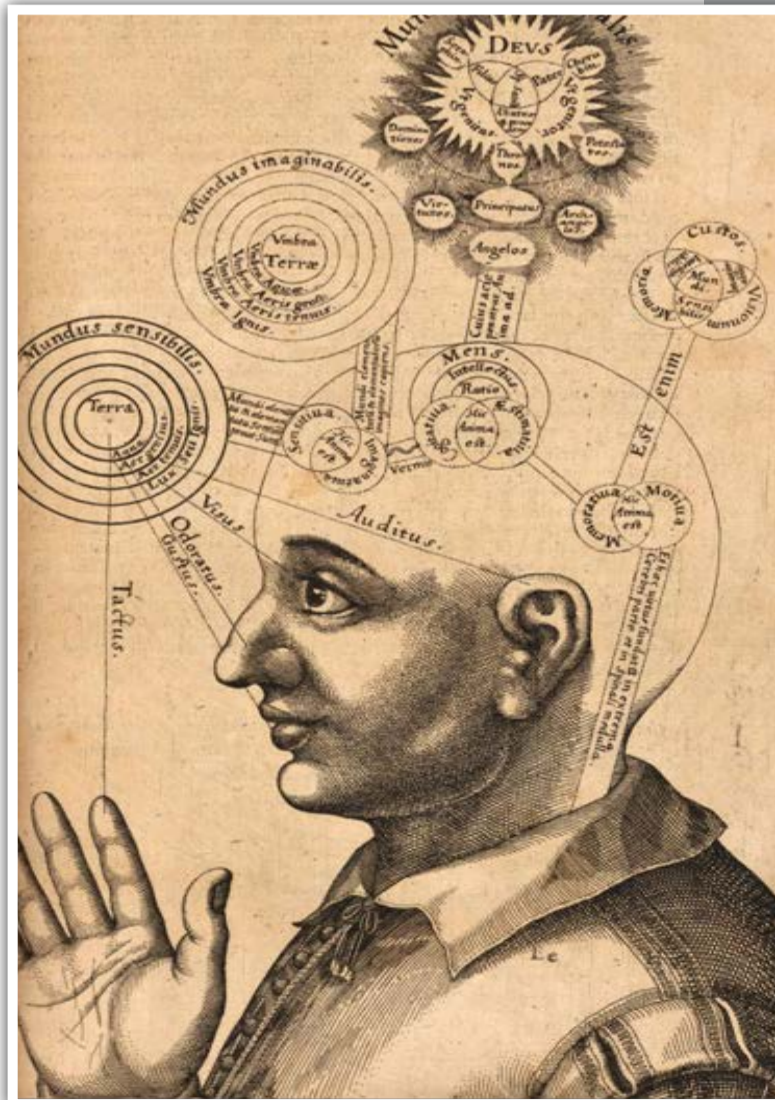
**روی:** گوشت قرمز، میگو، ماهی، غلات کامل و فرآورده‌های لبنی

به‌طور متوسط حدود ۶۰ درصد حجم کل بدن را آب تشکیل می‌دهد. برای حفظ رطوبت بدن باید در طول روز مقادیر کافی آب بنوشید. چشم‌ها نیز برای دید بهتر به رطوبت نیاز دارند و خشکی، خسته‌گی و تاری دید نشانه کم‌آبی و نیاز بدن به آب است. مصرف اسید آمینه برای سلامت چشم‌ها لازم است. اسید آمینه از چشم‌ها در برابر رادیکال‌های آزادی که باعث بروز صدمات چشمی می‌شوند، محافظت می‌کند و بافت چشم‌ها را سالم نگه می‌دارد.

### معجزه ویتامین درمانی

مکمل‌های ویتامین B نقش بسیار مؤثری در جلوگیری از کاهش دید ناشی از افزایش سن به‌خصوص در زنان ایفا می‌کند. از بین‌رفتن لکه زرد، شایع‌ترین علت نابینایی در افراد بالای ۶۵ سال است که مصرف ویتامین B و مکمل‌های آن از بروز چنین مشکلی جلوگیری می‌کند. در واقع مصرف خانواده ویتامین B متشکل از ویتامین B<sub>۱۲</sub> و اسید فولیک می‌تواند مانع بروز کم‌بینایی شده و روند ابتلا و احتمال ایجاد این بیماری را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. زنانی که در غذای‌شان ویتامین‌ها به‌خصوص مکمل‌های ویتامین B را گنجانده‌اند، ۳۴ درصد کمتر به بیماری از بین رفتن لکه زرد مبتلا شده و ۴۱ درصد خطر ابتلا به نابینایی ناشی از این مشکل کاهش می‌یابد. ویتامین‌های خانواده B گردش خون را بهبود بخشیده، اثر آنتی‌اکسیدان‌ها را بیشتر کرده و نقش مؤثری در کاهش مواد شیمیایی و میزان برخی هورمون‌ها در بدن ایفا می‌کند.

منبع: سلامت‌نیوز



# چه کسانی وحدت ملی را گشتند؟



امیر روح الامین امینی

در این روزها که قرار است لوحه دانشگاه هرات نوشته شود، یک بار دیگر سروصدای دانشگاه و پوهنتون بلند شده است و طبیعتاً مخالفان و موافقان واژه دانشگاه وارد میدان شده اند. مطلبی که در زیر می‌خوانید، از گذشته است و مربوط می‌شود به حواشی همین بحث دانشگاه که هر بار مطرح شده است. عده‌ی گفته اند حالا بر سر یک واژه که می‌تواند وحدت ملی را خدشه‌دار کند، چرا این همه بحث و جنجال کنیم؛ همان پوهنتون را می‌گوییم تا هم مفهوم را رسانده باشیم و هم به وحدت ضربه نزده باشیم یا به قول معروف، هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد. فکر می‌کنم باز نشر این مطلب در این روزها غیرضروری به نظر نمی‌رسد.

\*\*\*

در دنیا کشورهای زیادی وجود دارد که اقوام و مردمی با زبان‌های متفاوت در آن‌ها زنده‌گی می‌کنند، اما با این اوصاف این کشورها توانسته اند مرزهای تفرقه را از میان بردارند و مردم آن‌ها به‌جرات ادعا کنند که یک ملت هستند. بدیهی ست اتفاقی به این اهمیت (که در افغانستان امروز بیشتر از هر کشور دیگری اهمیت آن قابل درک است) خود به خود نیفتاده است. گرد هم آمدن انسان‌هایی با زبان‌ها و قبیله‌های متفاوت اما با منافع مشترک در یک محدوده جغرافیایی، در قدم اول مستلزم احترام متقابل است.

برای این مسأله اگر در مقیاس کوچک‌تر بخواهیم صحبت کنیم، می‌توان چنین مثالی را مطرح کرد که من و شما به عنوان دو فرد با دلبسته‌گی و خوی و عادات متفاوت، اتافی را به صورت مشترک اجاره کرده ایم و در آن زنده‌گی می‌کنیم. من دلم می‌خواهد تا نیمه‌های شب بیدار باشم فیلم نگاه کنم، موسیقی بشنوم، کتاب بخوانم و... و به تبع آن، صبح دیرتر از خواب بیدار شوم؛ ولی شما دل‌تان می‌خواهد سر شب بخوابید و گل صبح بیدار شوید و چند آهنگ را با صدای بلند بشنوید، سفره صبحانه پهن کنید، با دوستان تان تلفونی صحبت کنید و... بدیهی ست رفتار هر دو جانب در این شراکت سبب می‌شود که به زودی جنگ و دعوا راه بیفتد و عمر این شراکت به یک هفته هم نکشد. اما حل این مسأله راه دارد، راهش هم این است که هر دو طرف ملاحظه هم را بکنند؛ مثلاً

ملی خدشه وارد شد که به یک فارسی‌زبان گفتند حق نداری به زبان مادری ات صحبت کنی، حق نداری جشن نوروز را به عنوان نماد فرهنگ نیاکانت جشن بگیری، حق نداری کوچه‌ها و خیابان‌های شهرت را به نامی که می‌خواهی مسما کنی، حق نداری بزرگان را دوست داشته باشی و...

بعد از طرح چنین مباحثی، بدیهی است امروز حتا صحبت از وحدت ملی نیز آدم را احق جلوه می‌دهد برای این که ملتی وجود ندارد که بین آن وحدتی باشد. عده‌ی با قبایل، زبان‌ها، مذاهب و منطقه‌های مختلف برای قسمتی از این کره خاکی نامی گذاشته اند و در آن گرد آمده اند تا با هم بجنگند و همدیگر را سرکوب کنند نه این که مانند شهروندان دیگر گوشه‌های این کره خاکی با هم زنده‌گی کنند و برای برداشتن دیوارهایی که آن‌ها را از هم جدا می‌کند، تلاش کنند.

با چنین اوصافی، وقتی من و ما می‌خواهیم به زبان مادری مان حرف بزنیم و بنویسیم و بخوانیم، اگر کسی از ما به عنوان خاین و دشمن وحدت ملی یاد کند، حق داریم او را نژادپرست خطاب کنیم یا این که برایش بگوییم که جان برادر آدم‌ها تا اندازه‌ی که عقل شان قد می‌دهد، باید حرف بزنند نه بیشتر از آن؛ به این دلیل که خاین ملی کسی است که می‌خواهد بیشتر از نیمی از مردم این سرزمین را وادار کند به زبان مادری شان حرف نزنند و طرح این بحث است که تخم کینه و عداوت را می‌کارد و رشته‌های نامریی وحدت ملی را نابود می‌کند نه این که عده‌ی برای رسیدن به حقوق اولیه‌شان بنویسند، بخوانند، تظاهرات کنند و با اقدامات مدنی‌یی از این دست صدای شان را بلند کنند.

## چرا واژه دانشگاه مهم است؟

دانشگاه یک واژه است مانند میلیون‌ها واژه دیگری که آن‌ها را بر زبان می‌آوریم و می‌شنویم و می‌خوانیم و حتا شاید از بسیاری از آن‌ها سال‌های سال هم استفاده نکنیم! در این شکی نیست، اما این که چرا در افغانستان امروز واژه دانشگاه این

و یکی از کارهایی که باید انجام می‌گرفت، جمع کردن مردم پراکنده این کشور بر گرد یک سفره بود. در طول همه این سال‌ها برعلاوه این که از نگاه سیاسی و نظامی هر روز اوضاع کشور بدتر از دیروز شد، عده‌ی پیدا شدند و تیشه به ریشه این مردم زدند و تلاش کردند هر روز بیشتر از دیروز آن‌ها را از هم جدا و دور کنند. نمونه های زیادی می‌توان در این مورد داد؛ از حمله‌های مکرر کوچی‌ها به هزاره‌ها گرفته، تا عملکرد عبدالکریم خرم در زمان ایفای به اصطلاح وظیفه‌اش در وزارت اطلاعات و فرهنگ و فرمان آقای کرزی در مورد استفاده از زبان‌ها و لهجه‌هایی که بیگانه خوانده شده بودند.

همه این‌ها نشان می‌دهد که حکومت افغانستان نه تنها تلاشی برای گرد هم آوردن مردم نکرد که خواسته و ناخواسته آن‌ها را بیشتر از هر وقت دیگری از هم دور کرد. در این بین، ارزش‌های فرهنگی نیز لگدمال شد و این مسأله‌ی بود که برای تعداد زیادی از مردم این کشور قابل قبول نیست. من واژه‌هایی مانند پوهنتون و پوهنزی را در زبان پشتو دوست دارم، همان طور که واژه یونیورسیتی یا فاکولته در چهارچوب زبان‌های خودشان واژه‌های زیبایی هستند اما تا به حال ندیده ایم و نشنیده ایم که یک استاد یا شاگرد انگلیسی زبان دانشگاه آکسفورد وقتی به زبان خودش صحبت می‌کند، از واژه‌های پوهنتون و دانشگاه استفاده کند. اما اگر فارسی یا پشتو بخواهد حرف بزند، طبیعی است که باید از این واژه‌ها استفاده کند.

امروز اهمیت استفاده از واژه دانشگاه، فراتر از یک نام است و در واقع تبدیل شده به یک زورآزمایی برای حاکمان کشور و بدین وسیله قصد برتری‌طلبی و استیلا را دارند. پذیرفتن جایگزین‌های فرمایشی از سوی حکومت و حلقه‌های افراطی قومی - زبانی برای هر کدام از واژه‌های زبان پارسی به معنای این است که این روند به شدت ادامه پیدا خواهد کرد و ده سال بعد در افغانستان شاهد زبان دیگری خواهیم بود زبانی که نامش را هر چه بگذاریم، پارسی یا دری یا تاجیکی نمی‌تواند باشد و آشفته‌بازاری می‌شود



در آمیخته از پشتو، اردو، انگلیسی و... با این توصیفات بدیهی ست کسانی که تنها تاریخ ادبیات‌شان فقط در دوره اسلامی تا حنظله می‌رسد و در میانه زمان او تا ما بزرگان فراوانی قلم و قدم زده‌اند که تا امروز نام‌شان بر تارک تاریخ ادبیات و اندیشه جهان می‌درخشد، اجازه نمی‌دهند زبان نیاکان‌شان به دست فرزندان آینده این سرزمین نرسد و آن‌ها حتا نتوانند آثار بزرگان این تاریخ باشکوه را بخوانند، چه برسد به این که بدانند. گویا حنظله بادغیسی سرسلسله شعر پارسی هزار و اندی سال، به‌خوبی می‌دانسته که روزگاری چه بر سر فرزنداناش خواهد گذشت که گفته:

مهرتری گر به کام شیر در است  
شو خطر کن ز کام شیر بجوی

قدر مهم شده است، مسأله دیگری است. در طول این سال‌ها واژه‌هایی مانند دانشگاه، دانشکده، نگارستان، دادگاه و... واژه‌هایی‌اند که از نگاه بار سیاسی به صورت مترادف استفاده می‌شوند. اما این چند واژه که بیشترشان هم واژه‌هایی فرهنگی است، چگونه توانسته‌اند تا این اندازه بار سیاسی بردارند؟ بیش از یک دهه پیش، هیچ کدام از این واژه‌ها در افغانستان معنی سیاسی خاصی نداشتند و واژه‌هایی عادی بودند که گاهی استفاده می‌شدند و گاهی هم استفاده نمی‌شدند و هیچ کدام از این حالات نیز حساسیت خاصی را به همراه نداشت. آن چه سبب شد این واژه‌ها این قدر توان سیاسی پیدا کنند، ستیزه‌جویی حاکمیت و حلقه‌های قومی - زبانی افراطی بود.

در این دوره نه چندان جدید که قرار بود دولت و جامعه جهانی این کشور را سر و سامانی بدهند

**توافقات مهم دولت با حزب اسلامی**

یک منبع بلندپایه:

**یکی از خواست‌های حکمتیار دست‌یافتن به شهرک‌ها است**

توافقاتی از سوی رییس‌جمهور و رییس شورای عالی صلح امضا شود و جامعه جهانی نیز آن را امضا کند. به گفته منبع، هیأت اعزامی آقای حکمتیار با فعالیت‌های که به نام حزب و آرمان حزب اسلامی و نام حکمتیار وارد صحنه شده‌اند مخالفت کرده است و خواهان لغو آن احزاب شده است. اشاره هیأت حزب اسلامی به شورای احزاب آقای سباوون و حزب اسلامی آقای عبدالهادی ارغندیوال می‌باشد.

همچنان منبع می‌گوید که موارد اختلافی نیز در توافق‌نامه وجود دارد. یکی از این موارد این است که هیأت اعزامی، خواهان به دست‌آوردن چند شهرک برای آقای حکمتیار و مهاجران شمشو شده است. این شهرک‌ها باید در کابل موقعیت داشته باشند تا آقای حکمتیار بتواند در آن زنده‌گی مصئون خود را به پیش ببرد. مورد دیگر اختلافی این است که باید توافق‌نامه سیاسی به امضای کل طرف‌های نشست چهارجانبه برای صلح افغانستان نیز برسد؛ نشستی که در چهار دور در کابل و اسلام‌آباد به هدف مساعدکردن فرصت‌ها برای گفت‌وگو با طالبان راه‌اندازی شده بود و بی نتیجه پایان یافت. منبع همچنان می‌گوید که رهایی افراد حزب اسلامی به محض امضای توافق‌نامه نیز از دیگر موارد اختلافی است و همچنان حزب اسلامی از دولت افغانستان خواسته است که همه تحریمات بین‌المللی اعمال شده بر این حزب برداشته شود.

منبع می‌گوید که این موارد اختلافی به رییس‌جمهوری محول می‌شود و او در این مورد تصمیم خواهد گرفت.

یک منبع آگاه به روزنامه ماندگار می‌گوید که پیشرفت‌هایی در مذاکرات صلح با هیأت اعزامی گلبدین حکمتیار صورت گرفته است.

این منبع بلندپایه می‌گوید که مواضع حزب اسلامی تعدیل شده و آنان به قبول قانون اساسی و دیگر قوانین نافذ کشور تن داده اند. منبع می‌گوید: اطلاعات موثقی وجود دارد که هیأت اعزامی آقای حکمتیار و شورای عالی صلح به توافقات مهمی دست یافته‌اند و فقط در سه مورد اختلاف دیدگاه وجود دارد. بریناد توافقات صورت گرفته، آقای حکمتیار بعد از امضای توافق‌نامه، از امتیازهایی که دیگر رهبران جهادی برخوردارند، برخوردار می‌شود. بر بنیاد این توافقات، او از مصونیت قضایی بسان دیگر رهبران جهادی برخوردار خواهد بود و امنیت او توسط نیروهای دولتی برقرار خواهد شد. بر بنیاد توافقات ابتدایی، افراد گلبدین حکمتیار در نهادهای دولتی طبق قانون و صلاح‌دید دولت گنجانیده خواهند شد. از دیگر موارد توافق‌شده رهایی زندانیان حزب اسلامی از زندان‌هاست که جرایم جنایی مرتکب نشده باشند و شامل نفوذ حقوق‌العبد نشوند.

منبع همچنان می‌گوید که آقای حکمتیار در صورت امضای توافق‌نامه، به سان دیگر رهبران جهادی حق مشوره‌دادن به رییس‌جمهور در مسایل ملی و کشوری را پیدا می‌کند و نیز حق فعالیت سیاسی را طبق قوانین کشور به سان دیگر احزاب سیاسی دریافت خواهد کرد.

به گفته منبع طرف حزب اسلامی گفته است: زمانی تمامی تشکیلات نظامی و جنگی خویش را لغو خواهد کرد که این

**والی بلخ:**

**نشست‌های چهارجانبه مهلتی برای تجهیز طالبان بود**



عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ با انتقاد از روند گفت‌وگوهای صلح می‌گوید که نشست‌های چهارجانبه این فرصت را به طالبان فراهم کرد تا خود را بیشتر تجهیز کنند.

آقای نور که روز سه‌شنبه در همایش پشتیبانی از نیروهای امنیتی در مزار شریف صحبت می‌کرد، گفت که طالبان بارها حکومت را فریب داده اند، اما سران هر بار به آنان دست برداری دراز کرده اند.

به گفته آقای نور، زمستان‌ها طالبان توان جنگیدن را از دست داده و به گفت‌وگوهای صلح رو می‌آورند، اما بهار که می‌رسد دوباره جنگ پیشه می‌کنند. سرپرست ولایت بلخ، مذاکرات صلح را به شکست محکوم می‌کند؛ به باور او صداقت در این روند دیده نمی‌شود و طالبان تاحال بهره‌برداری زیادی از آن کرده اند.

شاه‌حسین مرتضوی، معاون سخنگوی ریاست جمهوری می‌گوید که از تمام ابزارها و امکانات برای سرکوب کسانی که در برابر حکومت افغانستان می‌جنگند استفاده می‌شود؛ اما آغوش حکومت به روی آنان است که به روند صلح علاقه‌مندند، باز است.

تا کنون چهار دور از نشست چهارجانبه-با اشتراک افغانستان، پاکستان، چین و ایالات متحد آمریکا-به هدف جلب طالبان به روند صلح در کابل و اسلام‌آباد برگزار شده است، اما رد فراخوان صلح از سوی طالبان و آغاز حملات بهاری این گروه نشان می‌دهد که ظاهراً این نشست‌ها بی نتیجه بوده است.

**پایتخت در سوگ...**

این جنگ در جهان است. شما شنیدید که در اروپا و کشورهای که با سلاح‌های مدرن با تروریسم مبارزه می‌کنند حمله می‌کنند. این‌جا افغانستان است کشوری که چندین سال جنگ در آن ادامه دارد.

صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله ساعتی پس از انفجار در یک کنفرانس خبری گفت که مهاجم انتحاری یک موتر باربری کوچک را با صدها کیلوگرام مواد منفجره در سربازی در عقب ساختمان واحد محافظت رجال برجسته اداره امنیت ملی منفجر کرد تا بخشی از دیوار این ساختمان تخریب شود.

**شدت انفجار**

محمد اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان با نشر اعلامیه‌ای گفته است «حمله تروریستی امروز در نزدیک پل محمود خان کابل نشانه واضحی از شکست دشمن در جنگ رو در رو با نیروهای امنیتی کشور می‌باشد.»

داکتر عبدالله نیز از محل رویداد دیدار کرد. او در محل رویداد به خبرنگاران گفت که این حمله انتقام‌جویی مخالفان مسلح پس از شکست پی هم‌شان در برابر نیروهای امنیتی می‌باشد.

وی از مقامات امنیتی و سیاسیون کشور خواست تا باهم بسیج شده و در برابر این گونه جنایات صدا بلند کنند. آقای عبدالله این را یک عمل غیرانسانی و کار دشمنان مردم افغانستان خواند.

در این حال آگاهان می‌گویند که بی‌تفاوتی رهبران حکومت وحدت ملی در برابر تهدیدات تروریستان، عامل اصلی رویداد خونین دیروز است.

آنان حکومت را متهم به بی‌تفاوتی در برابر مردم کرده تأکید کردند: اما رهبران حکومت چنان سرگرم زد و بندهای سیاسی هستند که ملت را به کلی فراموش کرده‌اند.

عتیق‌الله امرخیل آگاه مسایل نظامی، حکومت را مسوول این رویداد خونین دانسته می‌گوید: طالبان در اوایل بهار اعلام کرده بودند که هدف ما حمله به مراکز نظامی است، پس می‌بایست، حکومت این سخنان طالبان را جدی می‌گرفت.

وی می‌افزاید: اما حکومت چنان مصروف زد و بندهای سیاسی است که فراموش کرده باید در حالی بیداری می‌بود و اجازه نمی‌داد که این حادثه وحشتناکی رخ بدهد.

امرخیل با انتقاد از حکومت می‌گوید: بی‌تفاوتی دولت و نهادهای استخبارات و عدم هم‌آهنگی میان ارگان‌های امنیتی سبب این رخ داد خونین شد.

این آگاه نظامی گفت: سرپرست بودن نهادهای دولتی یکی از عوامل می‌تواند باشد، اما دلیل اصلی بی‌تفاوتی رهبران حکومت در برابر ملتی است که به آنان رای داده بودند.

با این حال، عبدالهادی خالد معین پیشین وزارت امور داخله می‌گوید: عدم همکاری مردم به دلیل نارضایتی آنان از حکومت وحدت ملی و عدم هم‌آهنگی میان نیروهای امنیتی یکی از عوامل اصلی رویداد خونین دیروز است.

جنرال خالد تأکید کرد: حمایت پاکستان از تروریستان و بی‌تفاوتی حکومت در برابر تهدیدات از جمله عواملی اند که سبب رخداد خونین دیروز گردید.

به گفته این آگاه نظامی: غفلت حکومت عامل دیگر این رویداد است، زیرا طالبان تهدید کرده بودند که مراکز نظامی را هدف قرار می‌دهند، اما حکومت سرگرم زنده و بندهای سیاسی است و ملت را فراموش کرده.

وی می‌گوید: من باور ندارم که توسط پاسگاه‌های پولیس بتوان دشمن را شناسایی و چنین حملات را مهار کرد، بل باید صلاحیت‌های ارگان‌های امنیتی بلند برود، هم‌آهنگی وجود داشته باشد و مردم با نیروهای امنیتی همکار باشند.

به باور جنرال خالد: زمانی که یک فرد انتحاری از پاکستان حرکت می‌کند و بسیار به راحتی تا به کابل می‌رسد، این مساله نشان می‌دهد که همکاری مردم و نهادهای امنیتی بسیار موثر است برای شناسای و دستیگیری تروریستان.

این آگاه نظامی تأکید کرد: کوتاهی حکومت در برابر مردم سبب شده تا مردم با حکومت همکار نباشند و از سویی هم عدم هم‌آهنگی میان نهادهای امنیتی عواملی اند که دشمن از آن به راحتی استفاده می‌کند.

دفتر هیأت کمک سازمان ملل در افغانستان - یوناما - گفته که طالبان با بمب‌گذاری در یک محل به شدت پرازدحام نشان دادند که به زنده‌گی غیرنظامیان اهمیتی قابل نیستند.

**جمهور رئیس غنی:**

**سوله په جگري میدان کي تأمین کوو**

جمهور رئیس د ملي شورا استازو ته په خطاب کې وویل، ستاسو حضور د افغانستان دښمنانو ته دا واضح پیغام ورکوي چې د دولت د درې گونو قواو تر منځ اختلاف نشته او ټول د ملي مسایلو په اړه توافق او همغږي لري. د هېواد جمهور رئیس د ولسي جرگې له استازو څخه د کورنیو چارو وزیر او لوی څارنوال ته د باور رايې د ورکولو له امله مننه وکړه او زیاته یې کړه، تاسو په هغه ورځ نړیوالو ته د افغانستان د وحدت پیغام ورکړ.

جمهور رئیس د ملي شورا د استازو دغه ملي روحیه وستایله چې د افغانستان د دفاع په خاطر د هېواد له امنیتی او دفاعي ځواکونو سره سرحدی او د جنگ لومړیو کرښو ته تگ ته تیار دي. هغه زیاته کړه، ستاسو د وطن دوستی دغه روحیه ولس او امنیتی او دفاعي ځواکونو ته ډاډ او روحیه ورکوي. محمد اشرف غني څرگنده کړه، چې په تدبیر، عقل او تمرکز موخپل حقانیت نړۍ ته تثبیت کړ او له همدې امله نړۍ او د سیمې اکثره هېوادونه په قوت زموږ د برحقه دریځ ملاتړ کوي.

جمهور رئیس غني وویل، د باعزت سولي غوښتونکو ته مو غږېږې خلاصی دي، خو هغوی چې جنگ غواړي د دوی پر ضد باید ټول نړیوال همکاران هم قوه استعمال کړي. له همدې امله د افغانستان نړیوال همکاران زموږ د امنیتی او دفاعي ځواکونو هر اړخیزه مرسته کوي.

جمهور رئیس څرگنده کړه، په درې اړخیزو او څلور اړخیزو مذاکراتو کې مو د افغانستان د ځمکنۍ بشپړتیا مطلق حاکمیت پر پاکستان ومانه او په ډاگه مو ورته وویل، چې پاکستان د افغانستان ملت او دولت سره په نا اعلان شوي جنگ اخته دی. هغه زیاته کړه، د جنگ د تعریف او د برحقه دریځ له امله د سولې لپاره زموږ پرمختگ نوي ابعاد ایجاد کړي دي.

محمد اشرف غني په ټینگار وویل، هیڅ وخت له نړیوالو او سیمه ییزو ترهگرو سره سوله نه کوو او له دې پاکي خاورې څخه د دوی تر نابودۍ پورې د هغوی پر ضد مبارزه کوو، ځکه زموږ ماشومان، ښځې، علما او هېوادوال شهیدانوي. جمهور رئیس غني وویل، د عقلاښت، منطق او استدلال په قوت مو د امریکا متحده ایالات او د افغانستان نړیوال همکاران له افغانستان سره دوامداره همکاريو ته قانع کړل. د هېواد جمهور رئیس اوسني مهم تاریخي پړاو ته په اشارې چې افغانستان په کې قرار لري وویل، زموږ د امنیتی او

دفاعي ځواکونو قوت، ملي اراده او سیاسي وحدت د جنگ په میدان کې د سولې لار تامینوي. هغه زیاته کړه، د دفاع له ارادې پرته یوازې د مذاکراتو له لارې موجوده ستونزې نه حل کېږي.

جمهور رئیس د ملي شورا له استازو څخه وغوښتل چې د بین الافغاني سولې په برخه کې کوښښ وکړي او زیاته یې کړه، د افغانانو تر منځ زرگونه رښتني شته، چې له هغو څخه په گټه اخیستني معترض او منتقد هېوادوال کولای شي له پردیو څخه ځانونه جلا کړي.

جمهور رئیس غني وویل، هغوی چې د افغانستان په خاوره کې د پرمختگ په خاطر پردیو عسکرو ته سرحدی نقطې ورښيي او نورو ته جاسوسي کوي د دې خاورې اولادونه نه دي، ځکه واقعي بچی د دې خاورې د ساتنې او دفاع لپاره قرباني ورکوي.

محمد اشرف غني وویل، د هېواد امنیتی او دفاعي ځواکونه د نورو کلونو په پرتله جنگ ته سرتاسري تیارې او پیاوړې اراده لري. نوموړي د هېواد د امنیتی او دفاعي ځواکونو اراده یې نظیره وبلله.

محمد اشرف غني د ملي شورا استازو ته په خطاب کې وویل، په خپلو امنیتی او دفاعي ځواکونو وویاړئ، ځکه دوی واقعا وښودله چې همت، توانایی او ظرفیت لري.

جمهور رئیس غني وویل، د ملي شورا تالار څخه چې هر ځل د امنیتی او دفاعي ځواکونو د ملاتړ غږ پورته شوی او د دوی د شهیدانو یادونه او د تپیانو پوښتنه شوې، نو زموږ ځواکونو ته یې روحیه او ډاډ ورکړی.

هغه زیاته کړه، هرځل چې یو وکیل یا سناتور خلک د ملي اردو، ملي پولیسو او ملي امنیت په لیکو کې جذب ته هڅوي، نو د امنیتی او دفاعي ځواکونو ارادې ورسره لا زیاتې پیاوړې شوې دي. هغه څرگنده کړه، له زرگونه امنیتی او دفاعي ځواکونو سره چې زه غږېدلې یم، دوی ټول د سیاسي قشر همغږي او یووالی غواړي.

محمد اشرف غني سوله د هر افغان په ځانگړي ډول د ماشومانو او میندو اساسي غوښتنه وبلله او زیاته یې کړه، باعزت، پایداره او قانوني سولې ته ژمن یوو.

جمهور رئیس په هېواد کې روانه جگړه یوه فتنه وبلله او د هېواد له دیني علماو څخه یې وغوښتل چې د اسلام د مبارک دین د ارشاداتو په اساس دې د دغې فتنې پر ضد د تل په څېر د خپلو امنیتی او دفاعي ځواکونو تر څنګ ودېږي.

محمد اشرف غني وویل، ترهگر په افغانستان او د ولس په منځ کې ځای نه لري، ځکه زموږ ولس، سوله، پرمختگ او هوسایي غواړي.

فیسبوک نامه

محمد اکرام اندیشمند



طالبان جنایت امروز خود را در شهر کابل به دوش گرفتند و بیش از سیصد نفر مردم مظلوم و بیگناه را به خاک و خون کشیدند. اما اعلامیه‌های ارگ کابل و کاخ سفید در صفحات فیسبوکشان از طالبان به عنوان عامل این جنایت نام نمی‌برند. شاید آن‌ها با این اغماض در صدد کسب تمایل طالبان به مذاکرات صلح و جلب توافق آن‌ها به صلح باشد، اما راه صلح با طالبان این نیست.

تروویست نخواندن طالبان، موجب خشنودی طالبان از دولت و زمام‌داران این دولت نمی‌شود و طالبان را از جنایت و کشتار باز نمی‌دارد. اغماض و کتمان زمام‌داران دولت در این مورد بی‌حرمتی به خون‌های ریخته شده مظلومان جنایت طالبان و به خون‌های آن سربازان و نظامیانی است که در دفاع از دولت و حاکمیت آن‌ها فداکاری می‌کنند و قربانی می‌دهند.

سید مظفر دره‌صوفی



این روزها مشغول پیاده‌کردن درس‌گفتارهای «فلسفه زبان» از آقای دکتر «مجتهد شیبستری» هستم. از خداوند توفیق این‌کار را می‌طلبم و امید می‌برم که با اجازه استاد- بتوانم آنرا در صفحه‌های اجتماعی خدمت دوستان گرامی عرضه کنم.

اما قبل از آن، از دوستان گرامی به‌ویژه کسانی که خواهان فهم متون اعم از متون فرهنگی سیاسی و دینی هستند، خواندن کتاب «هر مینوتیک» تألیف فرهیخته گرامی جناب استاد سید حسین اشراق را توصیه می‌کنم. من برای آشنایی بیشتر به آن‌عه خواننده‌گانی که هنوز این کتاب را ندیده و نخوانده‌اند، توصیه می‌کنم که بخوانند. این کتاب از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. به‌ویژه برای ما که هنوز مرحله کودکی فکری را طی می‌کنیم و ذهن ما آغشته و آلوده به مسایل قومی و نژادی و مذهبی است، خواندن این کتاب، بی‌تردید افق‌های جدیدی را می‌گشاید و دنیای نوی را پیشروی ما قرار می‌دهد.

دوستان گرامی! به‌جای گذاشتن عکس‌های سلفی، بیایم، نتیجه تأملات فکری‌مان را در میان گذاریم و از این فضای رایگان برای رشد فکری‌مان استفاده کنیم. نه عکس سلفی من برای شما جاذبه دارد و نه از شما برای من؛ پس چرا این عکس‌ها را بگذاریم؟

سمیع حامد



کار هراس‌افکنان گسترش وحشت است. هر قدر کابوس‌های ما بیشتر شوند، آن‌ها بیشتر پیروز می‌شوند. هرگنشی که سبب بزرگ‌نمایی «میدان جنگ» است و در میدان جنگ یا جنگجو هستی یا جنازه؛ ما باید نشان بدهیم که هنوز جنگجو هستیم، با هر کار و پیکار ممکن، ما «مردم» هستیم، باید هم در برابر طالبان مبارزه کنیم و هم نگذاریم دولت با خون سربازان و قربانیان ما معامله کند؛ حتی اگر گوش شنوا نیست، باید صدای خود را بلند کرد، صداهای بلند هستند که گوش ستمگران را ناگزیر به شنیدن می‌کنند.

جاوید فرهاد



روایت همه روزه‌یی از پایتخت

یک روز انتحار، یک روز انفجار... چندتا آدم به خاک و خون می‌غلتنند و چند خانواده در سوگ از دست رفته‌گان‌شان مویه می‌کنند. حکومت هم همواره این رویدادها را تق تق بیخ بیخ (تقیح) می‌کند. کارشناسان از معدۀشان در این مورد گپ می‌زنند و چندتا آدم پشم‌آلود که هنوز استنحای‌شان خشک نشده‌است، این رویداد خونین را توجیه می‌کنند...

شام جاده‌ها بسته می‌شود؛ می‌گویند: جنابِ فلانی (و نه فلانی) از دفتر به خانه بر می‌گردد. موترهای شیشه سیاه با شتاب رد می‌شوند و پشه هم از ترس در جاده‌ها پر نمی‌زند...

فردا بازم انتحار و یا هم یکی دو انفجار، و سپس تق تق و بیخ بیخ‌های بسیار، مرده‌ها، زخمیان، زمین خون‌آلود، جاده‌های بسته، ردشدن فلانی، موترهای شیشه سیاه، دشنام فلان و دامان، کارشناسان با تحلیل معده‌یی، آدم‌های پشم‌آلود... این است روایت همه روزه‌یی از زنده‌گی ما در جغرافیایی به نام پایتخت.

توافق اوپاما و پوتین برای گسترش همکاری‌ها در سوریه

کاخ کرملین با انتشار بیانیه‌یی اعلام کرد: ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و باراک اوپاما رئیس‌جمهور امریکا موافقت کردند که به همکاری‌های نزدیک خود در سوریه از طریق سرویس‌های اطلاعاتی و وزرای دفاع، ادامه دهند.

کاخ سفید نیز اعلام کرد: اوپاما و پوتین مذاکرات تلفنی را انجام داده و در این گفت‌وگوها در خصوص اوضاع سوریه و اوکراین رأی‌زنی کرده‌اند.

کرملین در ادامه افزود: پوتین در این گفت‌وگو بر لزوم این مسأله تأکید کرده است که مخالفان میانه‌رو باید از گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره فاصله بگیرند و دوری خود را از این گروه‌های تروریستی اعلام کنند.

پوتین همچنین بر لزوم بستن مرز ترکیه و سوریه تأکید کرده است، جایی‌که تروریست‌ها و تسلیحات نظامی برای تروریست‌ها تأمین می‌شود.

روسیه بارها مسأله مسدود شدن مرز ترکیه و سوریه را مطرح کرده است. مسکو اعلام کرده است که تروریست‌ها با استفاده از مرز ترکیه اقدام به ارسال تجهیزات و نیرو به داخل خاک سوریه می‌کنند.

اوپاما نیز تصریح کرده است که پیشرفت در سوریه باید به موازات پیشرفت در انتقال سیاسی و پایان درگیری‌ها در این کشور باشد. مذاکرات صلح سوریه روز دوشنبه پس از آن در آستانه شکست قرار گرفته است که مخالفان دولت سوریه از توقف مذاکرات ژنو خبر داده‌اند.

امریکا:

برهم‌زدن نظم اقتصاد جهانی به سود عربستان نیست

کاخ سفید در واکنش به تهدیدهای عربستان سعودی درباره احتمال تصویب طرح مرتبط با ۱۱ سپتامبر در کنگره امریکا گفت، عربستان این تهدیدها را عملی نخواهد کرد و می‌داند که برهم‌زدن نظم اقتصاد جهانی با منافع ریاض هم‌سو نیست.

جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید، روز گذشته در واکنش به تهدیدهای عربستان با اطمینان گفت که حتی در صورت تصویب طرح مرتبط با حملات ۱۱ سپتامبر، در کنگره که بر اساس آن پادشاهی عربستان به خاطر حمایت از القاعده ممکن است مقصر شناخته شود، این کشور تهدیدهایش را عملی نخواهد کرد.

جاش ارنست گفت: «من مطمئنم که سعودی‌ها به اندازه ما نسبت به منافع مشترک‌مان در حفظ ثبات سیستم اقتصاد جهانی آگاه‌اند.»

باراک اوپاما روز دوشنبه در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی‌بی‌اس گفت: «اگر ما در امریکا این امکان را به افراد بدهیم که بتوانند دولت‌های خارجی را تحت تعقیب قضایی قرار دهند، دولت ایالات متحده هم در معرض این خطر قرار خواهد گرفت که توسط افرادی در دیگر کشورها تحت پیگرد قرار گیرد.»

مرکل:

اکثر قریب به اتفاق مسلمانان آلمان بر اساس قانون اساسی ما عمل می‌کنند

صدر اعظم آلمان در واکنش به مواضع اخیر حزب ضد یوروی آلمان مبنی بر این‌که اسلام با قانون اساسی آلمان سازگار نیست، این مذهب را بدون شک متعلق به آلمان دانسته و تأکید کرد: اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان بر اساس قانون اساسی ما عمل می‌کنند.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان اظهارات اخیر حزب ضد یوروی «جای‌گزینی برای آلمان» مبنی بر این‌که اسلام و قانون اساسی آلمان با هم سازگاری ندارد را رد کرده و گفت: ما در آلمان بر اساس قانون اساسی، آزادی تضمین شده برای عبادات مذهبی داریم و این مسأله همچنین برای مسلمانان در کشور ما معتبر است.

او که دیروز بعد از یک دیدار با رئیس‌جمهور آندونزی در برلین سخن می‌گفت، همچنین تصریح کرد که تجربه نشان داده است که اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان این‌جا در چارچوب قانون اساسی عمل می‌کنند. اگر این طور نباشد، سازمان‌های امنیتی در این باره تصمیم‌گیری می‌کنند، اما معمولاً و اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها دقیقاً منطبق با آن‌چه در قانون اساسی ما درج شده است عمل می‌کنند.

«استفان زایبرت» سخنگوی دولت نیز با اشاره به ماده ۴ قانون اساسی، بر آزادی عقیده، مذهب و اعتقادات ایدئولوژیک و آزادی برای انجام عبادات مذهبی در آلمان تأکید کرده و آن را معتبر دانست.

او از تأکید مرکل بر جایگاه ویژه اسلام در آلمان سخن گفته و اظهار داشت که صدراعظم بارها تأکید کرده است که اسلام بدون شک به آلمان تعلق دارد. اخیراً دو تن از مقامات بلند پایه حزب ضد یوروی آلمان، اسلام را ایدئولوژی معرفی کرده‌اند که با قانون اساسی سازگاری ندارد. آن‌ها اعلام کردند که یک سیاست آشکار انتقادی نسبت به اسلام را در نقطه مرکزی برنامه‌های حزب خود قرار می‌دهند.

زمین‌های فوتبال «تخار» محلی برای فرود بالگرد و هواپیمای نظامی



ورزشکاران ولایت تخار در شمال شرق کشور اعلام کردند که زمین فوتبال ورزشگاه‌های این ولایت به محلی برای فرود بالگردها و هواپیماهای نظامی تبدیل شده است.

شماری از ورزشکاران ولایت تخار اعلام کردند که زمین‌های فوتبال ورزشگاه‌های این شهر به پایگاه‌های نظامی تبدیل شده‌اند، زیرا گاهی اوقات بالگردهای نظامی در این ورزشگاه‌ها نشست و برخاست می‌کنند و مشکلاتی را برای ورزشکاران این ولایت ایجاد کرده است.

صبورخان درمل، یکی از بازیکنان فوتبال در شهر تالقان گفت: از سال گذشته، بیشتر اوقات هواپیماهای نظامی در میدان ورزشی عمومی این شهر فرود می‌آیند.

او افزود: در شهر تالقان تنها دو ورزشگاه دارای زمین چمن وجود دارد که به فرودگاه تبدیل شده است و مسابقات ولایتی را نیز دچار مشکل کرده است.

این بازیکن فوتبال گفت: پس از این‌که بالگردهای نظامی در این ورزشگاه‌ها فرود می‌آیند، افراد نظامی با ورود به زمین بازی، آن‌ها را خارج می‌کنند.

نجم الدین باور، شهروند تالقان نیز اظهار داشت، زمانی که بالگردها به همراه گرد و خاک فرود می‌آیند، تماشاچیان ورزشگاه را ترک می‌کنند.

باور خطاب به دولت گفت: حکومت نباید برای بازیکنان مشکل ایجاد کند، پروازها باید به فرودگاه منتقل شود زیرا این مسأله هم برای ورزشکاران مشکل ایجاد کرده است و هم چمن ورزشگاه تخریب شده است.

سنت الله تیمور، سخنگوی والی تخار، نیز ضمن تأیید این مسأله اذعان داشت: این را می‌دانیم که پرواز و فرود بالگردها در ورزشگاه‌ها موجب ایجاد مشکلات برای مردم و ورزشکاران می‌شود و تلاش می‌کنیم تا این مسأله را حل کنیم.

او ادامه داد: در هر ماه سه تا چهار بالگرد برای ورود مهمانان و یا انتقال مجروحین و اجساد در این ورزشگاه‌ها رفت‌وآمد می‌کنند.

شاگردان شگرت برای دیدار با رئیس‌جمهور وارد کابل شدند



برخی از بازیکنان تیم ملی فوتبال افغانستان در کنار پیتر شگرت سرمربی تیم ملی، برای دیدار با محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور کشور صبح دیروز وارد کابل شدند.

فدراسیون فوتبال افغانستان در صفحه فیس‌بوکش نوشته است که این دعوت از سوی ریاست جمهوری انجام شده است و رئیس‌جمهور تمامی بازیکنان تیم ملی را به کابل فراخوانده است.

اما طوری که در عکس‌های منتشر شده در صفحه فیس‌بوک فدراسیون فوتبال افغانستان دیده می‌شود، مصطفی حدید، مصطفی زازی، مجیب جمالی، حسن امین، شریف محمد، اباسین علی خیل، شبیر یوسفی، انوش دستگیر و فیصل شایسته بازیکنانی هستند که از اروپا برای دیدار با رئیس‌جمهور وارد کابل شده‌اند.

گفته می‌شود که در این دیدار، بازیکنان تیم ملی که در کابل و سایر شهرهای افغانستان نیز زنده‌گی می‌کنند برای ملاقات با رئیس‌جمهور به ارگ ریاست جمهوری خواهند رفت.

مجیب جمالی، با انتشار عکسی در فیس‌بوکش نوشته که بعد از ۲۲ سال به کابل برگشته است. همچنین شریف محمد نیز برای نخستین‌بار است که به زادگاهش بر می‌گردد.

اعضای تیم ملی فوتبال افغانستان پس از صعود به مرحله نهایی مقدماتی جام ملت‌های آسیا توسط رئیس‌جمهور به کابل دعوت شده‌اند.

تا کنون مشخص نیست که این ملاقات یک دیدار دوستانه است یا آقای غنی می‌خواهد ملی پوشان را مورد تشویق و یا پاداش قرار دهد.

این در حالیست که اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان ماه گذشته دستور به تعلیق در آمدن کار کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال افغانستان را داده است.

DAILY

# Mandegar

## پولیو هیچ تداوی ندارد

قطره های واکسین پولیو اطفال تان را از معیوبیت دایمی محافظت مینماید



دو قطره واکسین پولیو به هر طفل هر بار الی ۵ سالگی

## اطفال شما به واکسین بسیار ضرورت دارد

واکسین نمودن اطفال مریض، خوابیده و نوزاد هم لازمی است



نوزاد

طفل خوابیده

طفل مریض

- اگر طفل شما در دور کمپاین از واکسین باز ماند، او را به زودترین فرصت به نزدیکترین کلینیک برای واکسین نمودن ببرید
- گرفتن سایر واکسینها که در کلینیک تطبیق میگردد نیز به طفل شما لازمی است، زیرا از چندین امراض کشنده جلوگیری مینماید

قطره های واکسین پولیو به هر طفل هر بار الی ۵ سالگی

- در روز های علی واکسیناسیون از رضاکاران کمپاین، برای اطفال سنین ۲ الی ۵ ساله، خویش تابلیت ضد گرم امعا یا روده ها نیز تقاضا نمایید.
- تابلیت ضد گرم امعا، گرم روده های اطفال شمار از بین میبرد و به این قسم از کمخونی جلوگیری نموده و باعث نشوونموی سالم اطفال شما میگردد.



اگر کدام طفل شما در جریان کمپاین از واکسین باز ماند، به زود ترین فرصت جهت واکسین نمودن به نزدیکترین مرکز صحتی ببرید.

